

عنوان مقاله:

معناشناسی مضمون «عشق» در سروده های میرزاده عشقی و نقش آن در بیان مضامین سیاسی- اجتماعی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 5، شماره 17 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

علی محمدی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

فاطمه کولیوند - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

خلاصه مقاله:

انقلاب مشروطه و وقایعی که به دنبال داشت، تحولی وسیع در سطح جامعه ایران به وجود آورد. در نتیجه اشخاص بزرگی در سطوح مختلف، تحت تاثیر این تحولات فعالیت داشتند و برخی نیز آثاری از خود به جای گذاشتند. در عرصه ادبیات، شخصیت های برجسته ای همگام با دیگر اقدار جامعه در جهت آن تحول نوین حرکت کردند. میرزاده عشقی نیز یکی از کسانی است که پس از کودتای ۱۲۲۹ به مخالفت با خاندان قاجار و استبداد بیرونی و درونی پرداخت. او با انتشار روزنامه «قرن بیستم» مبارزاتش را گسترش داد و سرانجام جانش را بر سر این راه گذاشت. عشقی را می توان یکی از پیشگامان تجدد در دو سطح سیاست و ادبیات به شمار آورد. در اشعار عشقی مضامین نوینی چون وطن خواهی، بیدادستیزی، اشاره به تجدد و... وجود دارد؛ اما یکی از مضامینی که شاید به اندازه مضامین سیاسی- اجتماعی در شعر او، برجسته نباشد، مضمون «عشق» است. هر چند حجم این اشعار در مقابل اشعار سیاسی او، کمتر است؛ اما از جهاتی همچون: نوستالژی در عشق، نگاه به زن، نوآوری در طرح مضامین عاشقانه و... برجسته است. از سوی دیگر ردپایی از «عشق» در اشعار سیاسی- اجتماعی عشقی دیده می شود که به نظر می رسد نخستین نواهایی باشد که عشق و سیاست را به یکدیگر پیوند می زند. عشقی تعدادی از اشعار سیاسی- اجتماعی خود را در پیوند با عشق و یا در طرحی عاشقانه و رمانتیک ارائه کرده است. این پیوند میان عشق و سیاست که مانع از ملالت و دلزدگی اشعار سیاسی- اجتماعی او شده، بر تاثیر کلام نیز افزوده است و شعر او را از سروده های شاعرانی که شعرشان بیشتر شبیه به یک مرام نامه سیاسی اجتماعی است، ممتاز کرده است. این پیوند، در اشعار وطنی شاعر برجسته تر از سروده های دیگر اوست تا جایی که «وطن» را به عنوان معشوق اول عشقی به نمایش می گذارد.

کلمات کلیدی:

میرزاده عشقی، عشق، مضامین سیاسی- اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1279550>

